



درخت بنشینہ

برگزیدہی سومین جشنوارہی کشوری دانایی، توانایی

معاونت فرهنگی وزارت آموزش و پرورش



نویسنده: شل سیلوراستاین

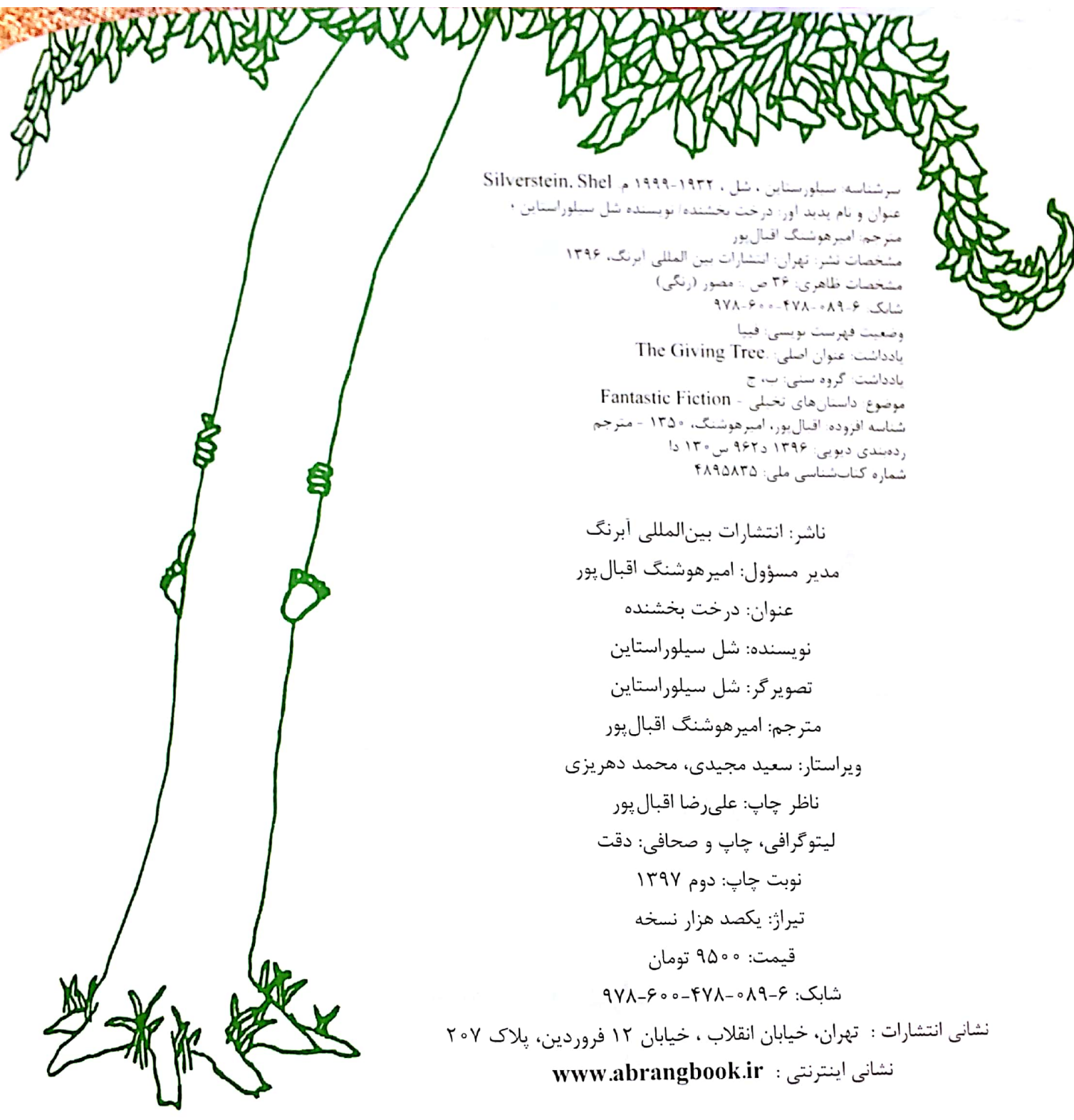
مترجم: امیرھوشنگ اقبال پور



درخت بنشینہ

برگزیرہی سومین جشنوارہی کشوری اذالی، توانایی
معاونت فرهنگي وزارت آموزش و پرورش

نویسنده: شیل سیلور استاین
مترجم: امیرھوشنگ اقبال پور



سرشناسه: سیلورستاین، شل، ۱۹۳۲-۱۹۹۹ م. Silverstein, Shel

عنوان و نام پدید آور: درخت بخشنده / نویسنده شل سیلوراستاین

مترجم: امیرهوشنگ اقبال پور

مشخصات نشر: تهران: انتشارات بین المللی آبرنگ، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۳۶ ص: مصور (رنگی)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۷۸-۰۸۹-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The Giving Tree

یادداشت: گروه سنی: ب، ح

موضوع داستان‌های تخیلی - Fantastic Fiction

شناسه افزوده اقبال پور، امیرهوشنگ، ۱۳۵۰ - مترجم

رده بندی دبویی: ۱۳۹۶ ۹۶۲ د س ۱۳۰ دا

شماره کتاب شناسی ملی: ۴۸۹۵۸۳۵

ناشر: انتشارات بین المللی آبرنگ

مدیر مسؤول: امیرهوشنگ اقبال پور

عنوان: درخت بخشنده

نویسنده: شل سیلوراستاین

تصویرگر: شل سیلوراستاین

مترجم: امیرهوشنگ اقبال پور

ویراستار: سعید مجیدی، محمد دهریزی

ناظر چاپ: علی رضا اقبال پور

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: دقت

نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۷

تیراژ: یکصد هزار نسخه

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۷۸-۰۸۹-۶

نشانی انتشارات: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۲۰۷

نشانی اینترنتی: www.abrangbook.ir



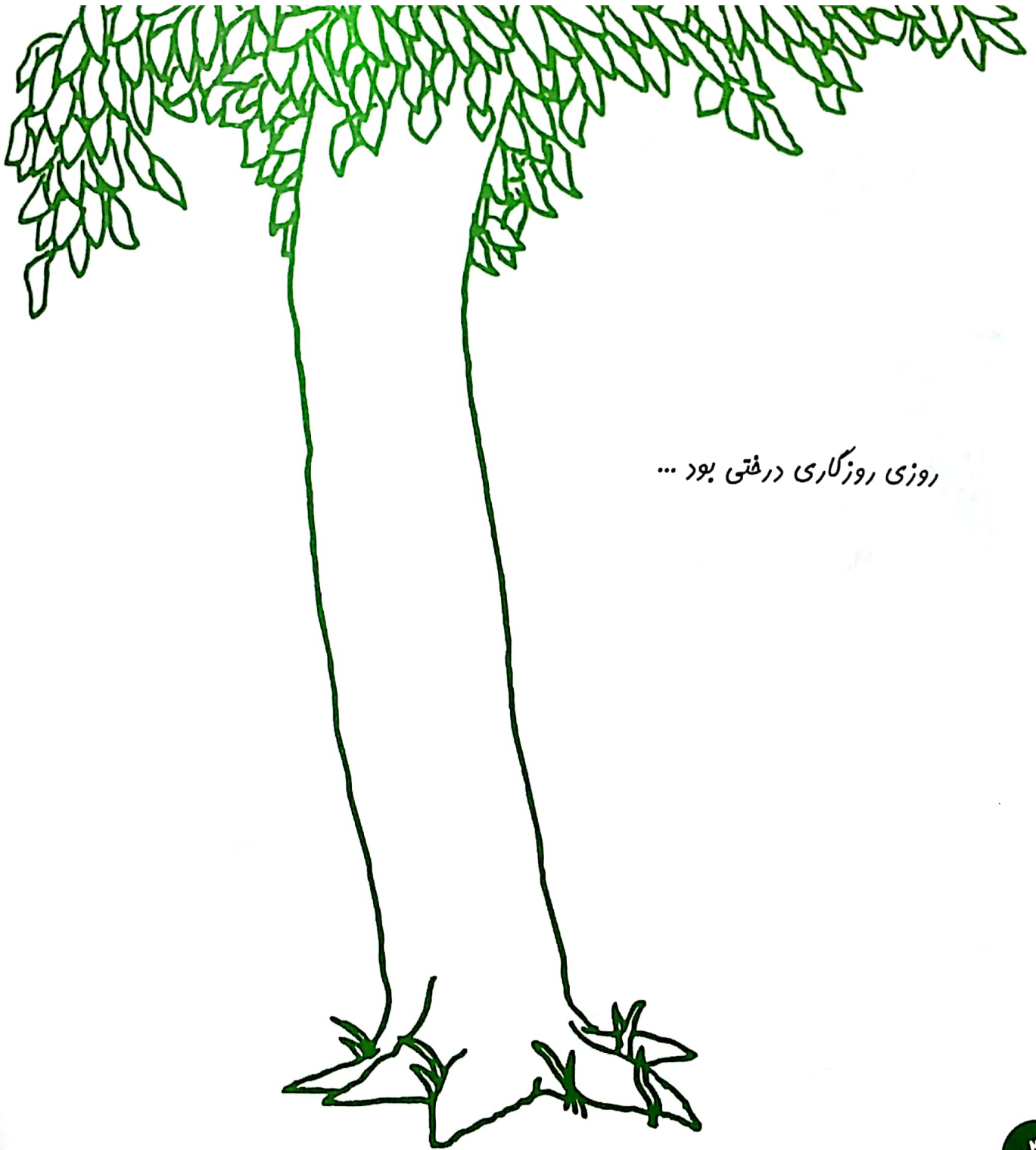
Sheldon Allan Silverstein
September 1930 ,25
May 1999 ,10 (aged 68)



درخت بخشنده

معنایی ژرف در حکایتی ساده

امیر هوشنگ اقبال پور



روزی روزگاری درختی بود ...



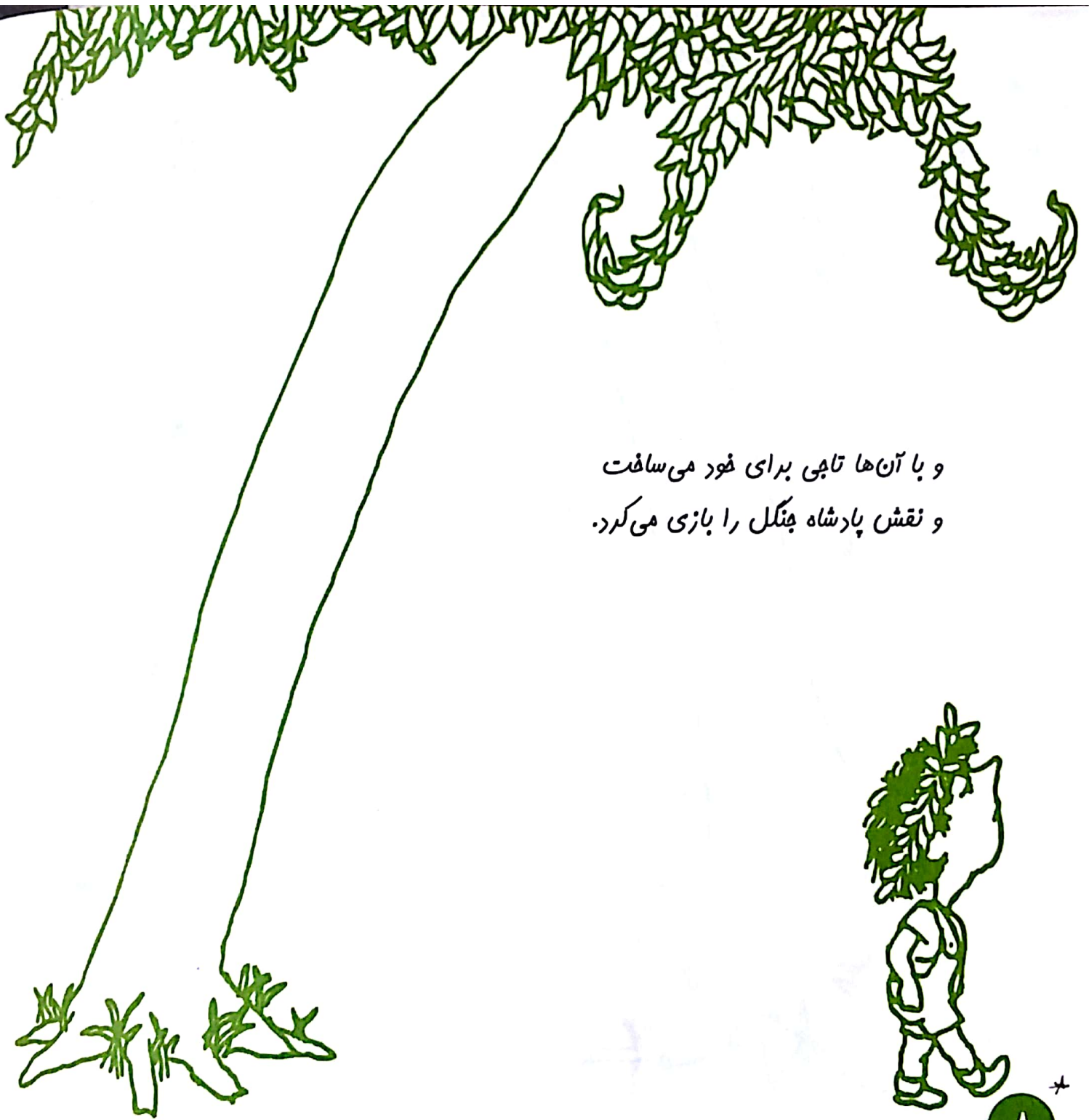
که پسر کوچکی را فیللی دوست داشت.



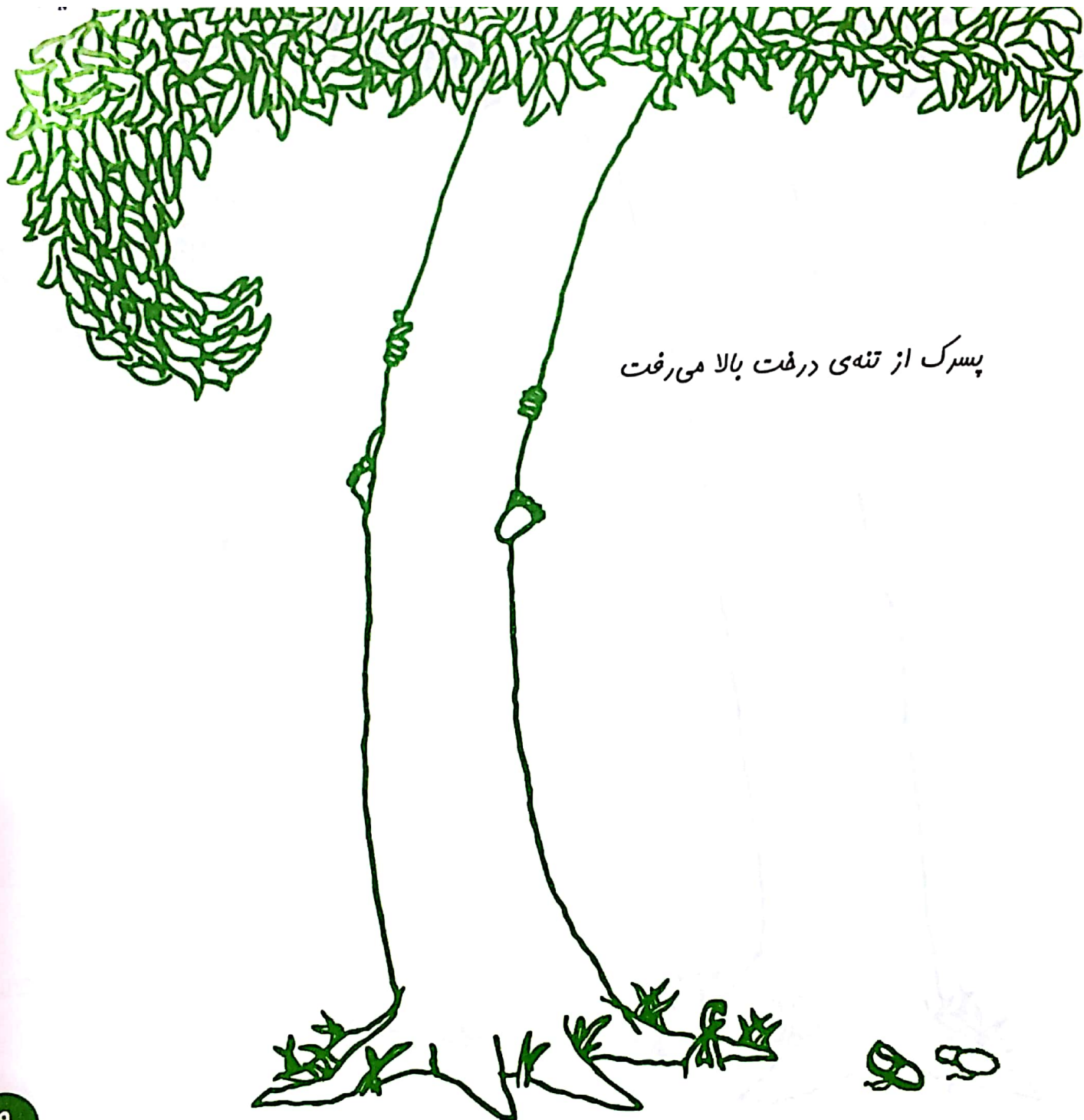
و هر روز پسرک پیش درخت می آمد

و برگ‌های درخت را جمع می‌کرد





و با آنها تاجی برای خود می‌ساخت
و نقش پادشاه جنگل را بازی می‌کرد.



پسرک از تنه‌ی درخت بالا می‌رخت



و با شافه هایش تاب بازی می کرد





و از سیب‌هایش می‌خورد.



آن‌ها با هم قایم‌موشک بازی می‌کردند.



و وقتی پسرک خسته می شد در سایه‌ی درخت می خوابید.



و پسرک درخت را فیلی دوست داشت.



درخت هم فیلی فوشمال بود.

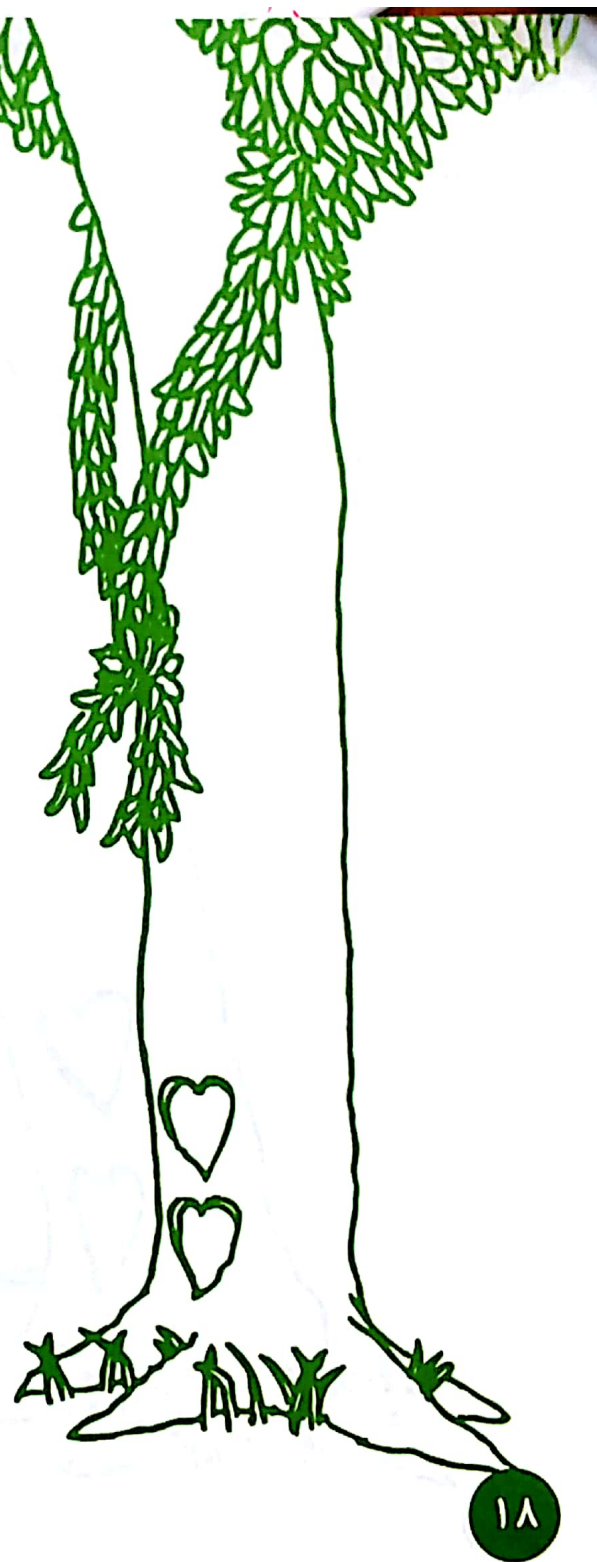


اما
روزها،
هفته‌ها،
ماه‌ها و
سال‌ها می‌گذشت...



و پسرک بزرگ و بزرگ تر می شد.

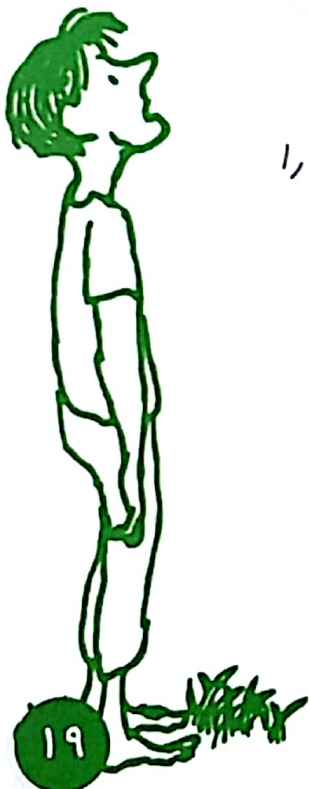
و درخت اغلب تنها بود.






بعد یک روز پسر پیش درخت آمد و
درخت به او گفت: «بیا پسر، بیا و از تنه‌ی من بالا برو
و از شافه‌هایم آویزان شو و تاب بفر و از سیب‌هایم بفر
و در سایه‌ی من بازی کن و شاد باش.»
پسر گفت: «من دیگر خیلی بزرگ شده‌ام که از تنه‌ی تو بالا بروم
و بازی کنم.»

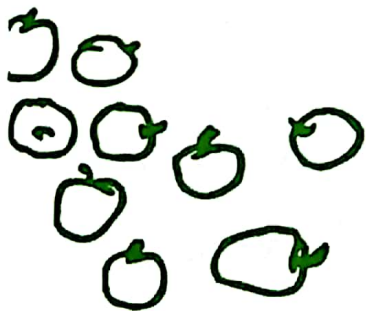
من می‌فواهم چیزهایی بفرم و سرگرم باشم. مقداری پول احتیاج دارم.
«آیا می‌توانی مقداری پول به من بدهی؟»
درخت گفت: «متأسفم! من پولی ندارم.»
«من فقط برگ و سیب دارم. سیب‌هایم را بپین و آن‌ها را
در شهر بفروش. آن وقت شاد و پول‌دار می‌شوی.»

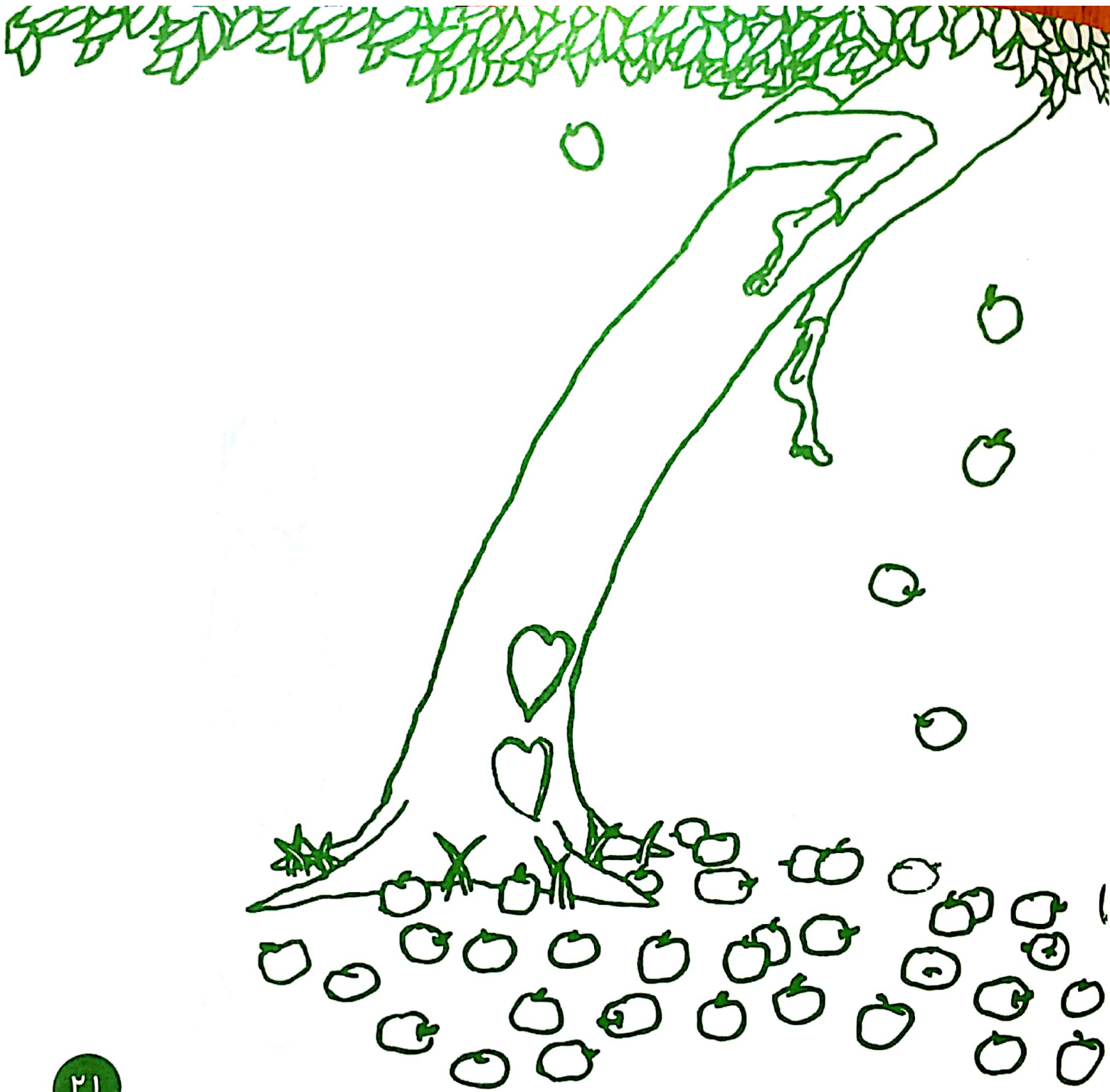




به این ترتیب پسر از درخت بالا رفت و شروع به چیدن سیب‌ها کرد
و آن‌ها را با خود برد.

و درخت خوشحال بود.

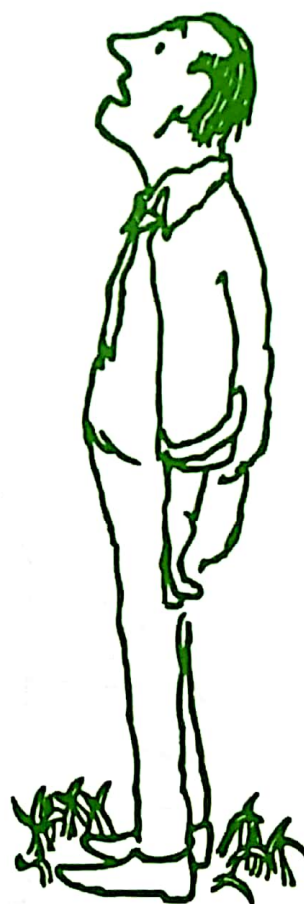


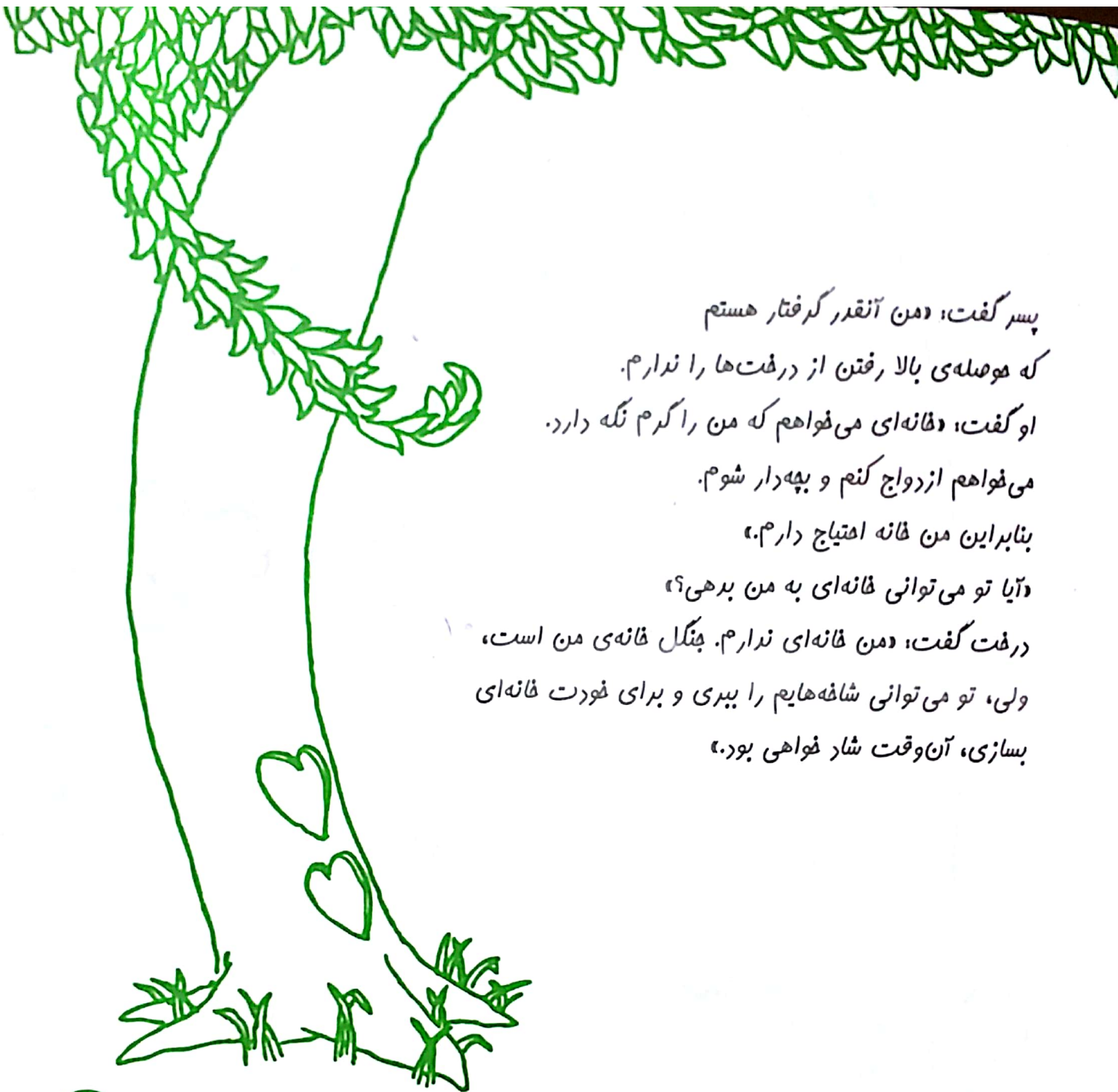




ولی پسر مدت‌ها به دیدن درخت نرخت و درخت غمگین بود.
تا این‌که یک روز پسر بازگشت
و درخت از دیدن او آنقدر خوشحال شد که در پوست خود نمی‌کنجید.

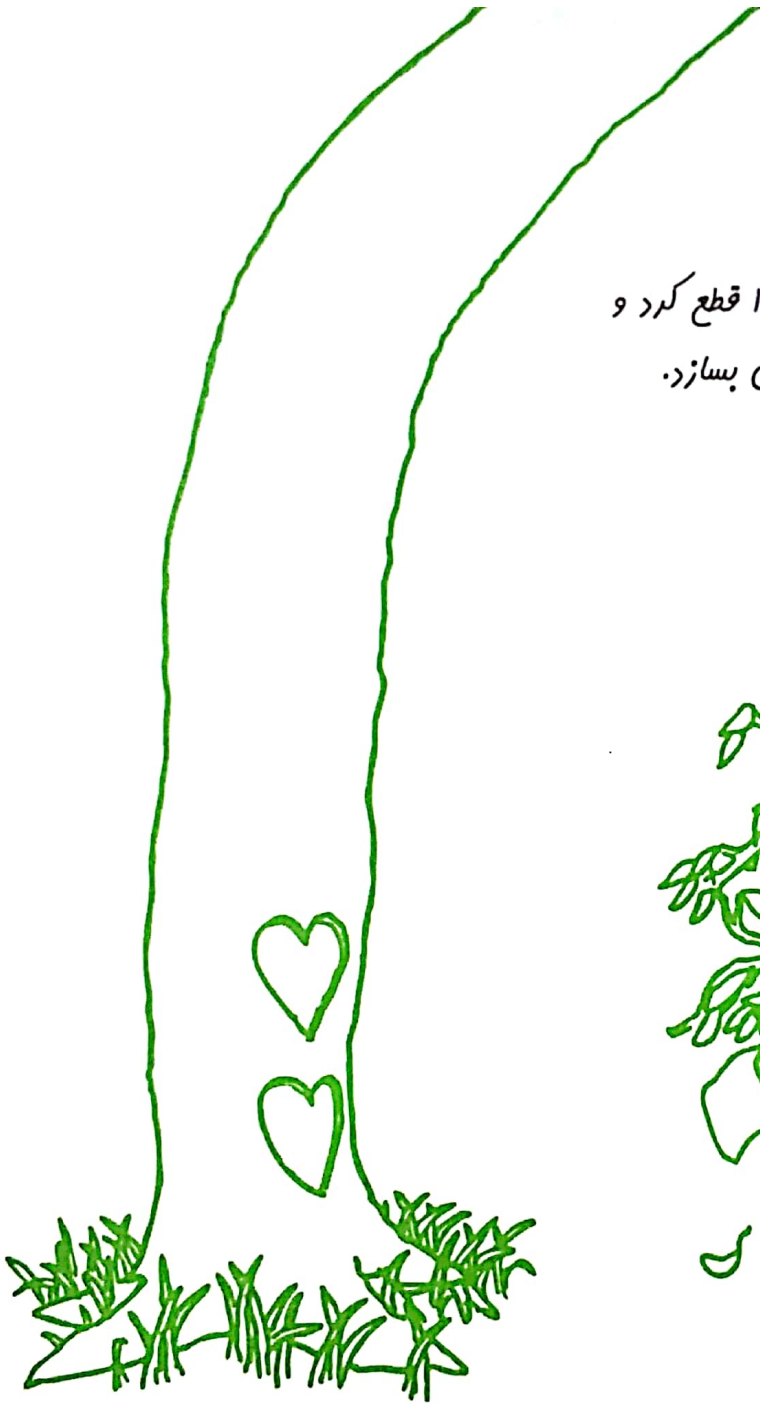
و به پسر گفت: «پیا پسر، پیا و از تنهی من بالا برو و از
شافه‌های من آویزان شو و شار باش.»





پسر گفت: «من آنقدر گرفتار هستم
که حوصله‌ی بالا رفتن از درخت‌ها را ندارم.
او گفت: «فانه‌ای می‌فواهم که من را گرم نگه دارد.
می‌فواهم ازدواج کنم و بچه‌دار شوم.
بنابراین من فانه‌ی احتیاج دارم.»
«آیا تو می‌توانی فانه‌ای به من بدهی؟»
درخت گفت: «من فانه‌ای ندارم. جنگل فانه‌ی من است،
ولی، تو می‌توانی شافه‌هایم را ببری و برای خودت فانه‌ای
بسازی، آن وقت شار فواهی بود.»

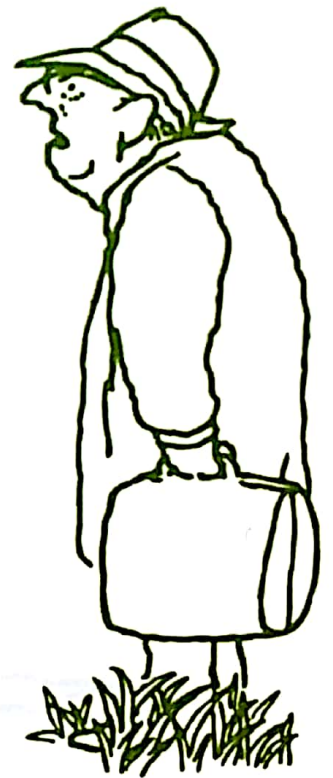
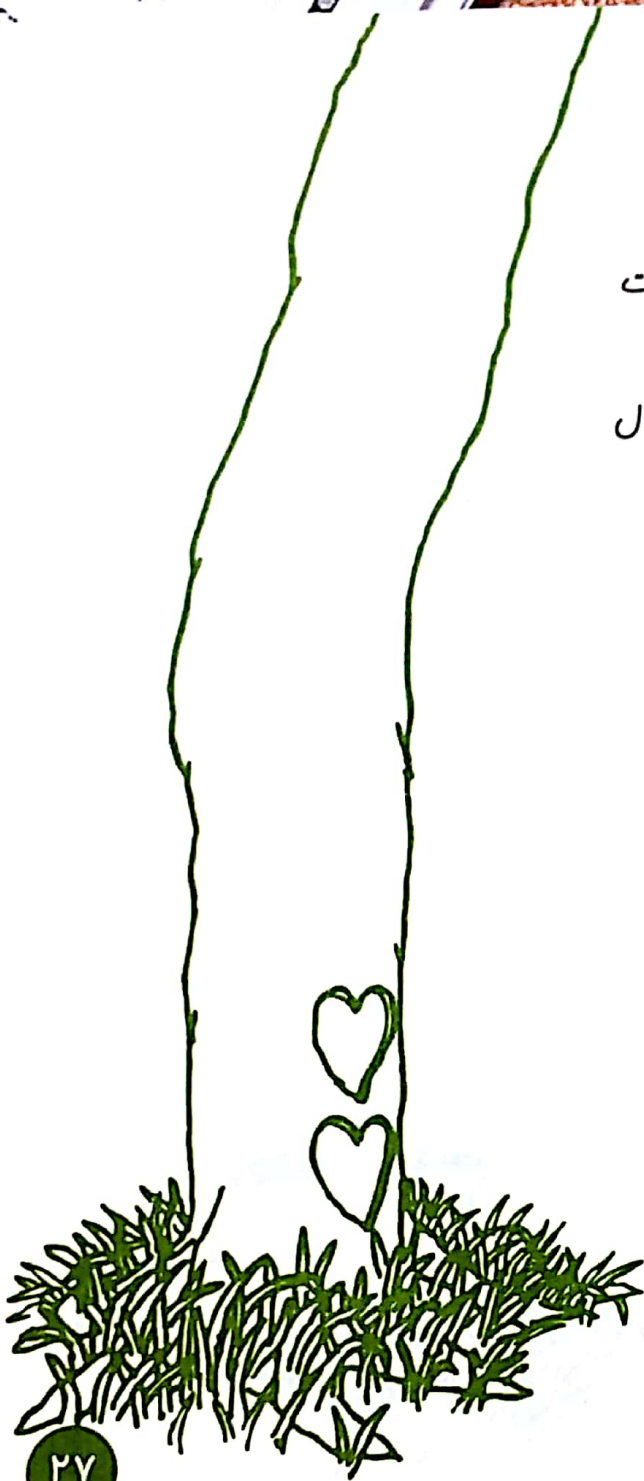
و به این ترتیب پسر شافه‌های درخت را قطع کرد و
آن‌ها را با خود برد تا خانه‌ای برای خودش بسازد.



و درخت فوشمال بود.

اما مدّت‌ها از پسر فبری نبود.
و هنگامی که دوباره برگشت، در رفت آنقدر فوشمال شده بود که به سختی
می‌توانست صحبت کند.
در رفت با صدایی نرم و آهسته گفت: «بیا پسرا بیا و بازی کن.»
پسر گفت: «من آنقدر پیر و غمگین هستم که دیگر نمی‌توانم بازی کنم.
قایقی می‌فواهم که من را به جایی دور از اینجا ببرد.»
«آیا تو می‌توانی قایقی به من بدهی؟»

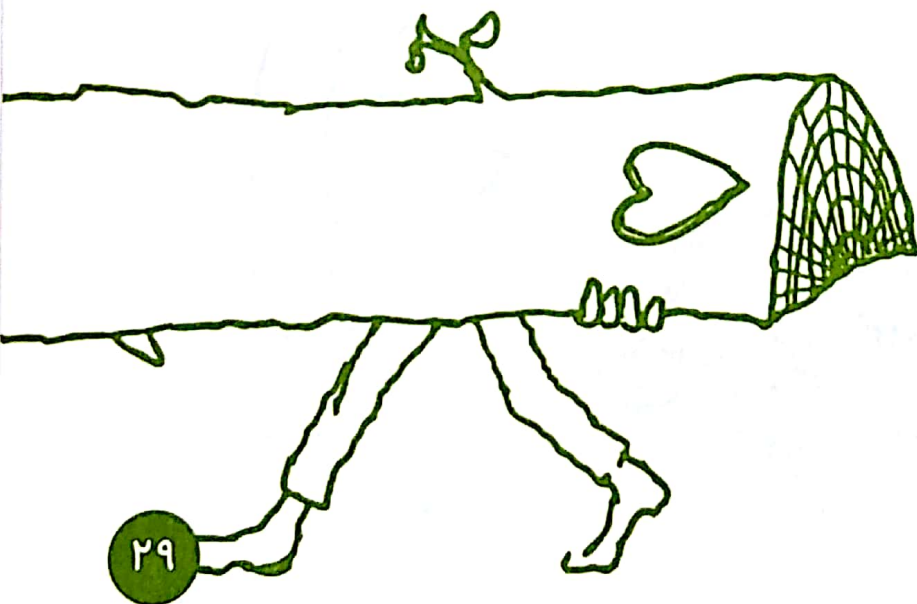
درخت گفت: «دندنی مرا قطع کن و برای خودت
یک قایق بساز.»
«آن وقت تو می‌توانی از این‌جا بروی و فوشمال
باشی.»



به این ترتیب پسر تنه‌ی درخت را قطع کرد.



و قایقی ساخت و با آن از آن جا رفت
و درخت همپنان فوشمال بود...
اما نه از ته دل.



بعد از مدّت ها پسر دوباره برگشت.
در رفت گفت: «پسر من فیلی متاسفم اما من دیگر چیزی ندارم که به
تو بدهم.»



«دیگر نمی‌توانم سیب بدهم.»

پسر گفت: «ندان‌هایم ضعیف‌تر از آن هستند که بتوانم با آن‌ها سیب بفرم.»

درخت گفت: «شافه‌هایم از بین رفته‌اند، تا تو بتوانی با آن‌ها تاب بازی کنی.»

پسر گفت: «من آنقدر پیر شده‌ام که نمی‌توانم روی شافه‌ها تاب بازی کنم.»

درخت گفت: «من دیگر تنه‌ای ندارم که تو بتوانی از آن بالا بروی.»

پسر گفت: «من آنقدر پیر شده‌ام که نمی‌توانم از تنه‌ی تو بالا بروم.»

درخت با ناراحتی آهی کشید و گفت: «فیلی فیلی متأسفم.»

ای کاش می‌توانستم چیزی به تو بدهم.

اما دیگر چیزی برایم باقی نمانده است فقط کنده‌ی پیری هستم.

متأسفم...

پسر گفت: «دیگر چیز زیادی نیاز ندارم.»
«فیلی هسته‌ام. فقط به جایی آرام برای نشستن و
استراحت نیاز دارم.»
درخت گفت: «بسیار خوب»
و تا جایی که می‌توانست خودش را بالا کشید و گفت:
«البته که یک کنده‌ی پیر برای نشستن و استراحت خوب است.
بیا پسر، بشین
بشین و استراحت کن.»



و پسر روی درخت نشست.

و درخت فوشمال بود.



پایان



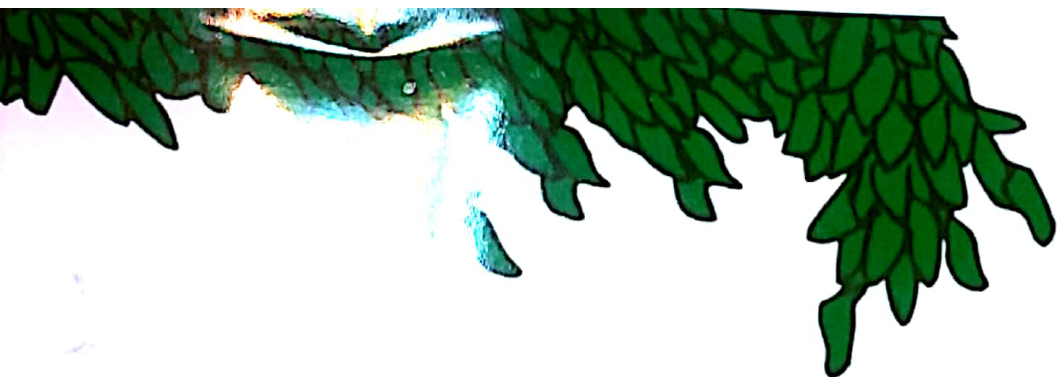
بهترین کتابهای مناسب کودک جهان

با رویکرد تقویت مهارت خواندن

معرفی شده از سوی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش

علاءالدین و چراغ جادو	جوجه اردک زشت	مرد نان زنجبیلی
منصور و الاغ	دختر زیبای بندانگشتی	موش شهری و موش روستایی
پسر هلو	لانو آسمان را تعمیر می‌کند	سفیدبرفی و هفت کوتوله
دختر نخ‌ریس و آدم کوچولو	بامبی و شاهزاده‌ی جنگل	قالیچه‌ی جادویی
شلغم بزرگ	دختر موطلایی و سه خرس	دیو و دلبر
ملخ تنبل	شنل قرمزی	پینوکیو
جوجه قرمزی	راپونزل	فین پسر غول پیکر
دیگ سحرآمیز	لک‌لک و مرغ مگس‌خوار	جک و لوبیای سحرآمیز
کلاغ و شیر	پری دریایی کوچولو	آرتور شاه و شمشیر
شاهزاده خانم و نخودفرنگی	سیندرلا	دوازده شاهدخت شاد
کفاش و کوتوله‌ها	دون کیشوت	سندباد
دوستی سه بُز	زیبای خفته	چوپان دروغگو
آرمیتا و درختان	دختر غازچران	شهرزاد قصه‌گو
پسر جنگل همیشه بارانی	ماهگیر و همسرش	دخترک کبریت فروش

مجموعه ۳۰ جلدی آزمایشات	مجموعه ۴ جلدی قصه‌ی ضرب المثل
مجموعه ۱۳ جلدی پیتزرگوشه	مجموعه ۵۰ جلدی قصه‌های معروف جهان
مجموعه ۱۲ جلدی حسن کچل	مجموعه ۵ جلدی ورزش‌های توپی
مجموعه ۲۱ جلدی کودک ماجراجو	مجموعه ۲۱ جلدی سلام کلاس اولی‌ها
مجموعه ۸۲ جلدی داستان‌های انگلیسی	مجموعه ۷ جلدی چیستان‌ها
مجموعه ۱۰ جلدی یان و یولیا	مجموعه ۴ جلدی ویبو وشبر
مجموعه ۳۸ جلدی داستان‌های انگلیسی	مجموعه ۱۲ جلدی فرهنگ‌نامه‌ی علمی کودکان



(۵۰ خط) ۶۶۴۰۷۵۷۵



۶۶۴۱۹۸۰۰



www.abrangbook.ir



@abrangbook

ISBN: 9786004780896



9 786004 780896